

## سوالات اصول دو و پاسخ آنها ( از ابتدای حلقه ثانی تا ابتدای دلیل شرعی غیر لفظی )

۱. اشکال تعریف علم اصول به « العلم بالقواعد الممهده لاستنباط الحكم » چیست؟ اشکالش این است که آوردن قید « مُمَهَّده » مستلزم آن است که در اصول از قواعدی باید بحث شود که صلاحیت آن ها برای اثبات احکام شرعی احراز شده باشد در حالی که در علم اصول از آن چیزهایی بحث می شود که می خواهیم صلاحیت آن ها را برای استنباط حکم شرعی احراز کنیم و حذف کردن قید « الممهده » نیز موجب می شود که مسائل علم لغت داخل در علم اصول شود. زیرا علم لغت نیز در طریق استنباط حکم شرعی قرار می گیرد.

### ۲. تعریف صحیح علم اصول به نظر مصنف کدام است؟

« العلم بالعناصر المشتركة فی الاستنباط ».

### ۳. سه قول در خصوص موضوع علم اصول را بیان کنید؟

۱- الادله الاربعه ۲- علم اصول موضوع واحد ندارد ۳- ادله ی بدون قید الاربعه .

### ۴. چرا موضوع بودن « الادله الاربعه » درست نیست؟

چون اگر « الادله الاربعه » را موضوع علم اصول بدانیم بسیاری از مسائل اصول از قبیل مباحث مقدمات فقهی، خبر واحد، اصول عملیه از آن خارج می شود مثلاً در بحث مقدمات عقلی از ادله ی اربعه بحث نمی شود بلکه از حکم عقل بحث می شود و در بحث حجیت خبر از سنت بحث نمی شود بلکه از حاکی سنت بحث می شود و در اصول عملیه نیز از ادله ی اربعه بحث نمی شود بلکه از تکلیف مشکوک بحث می شود که آیا مجرای برائت است یا استصحاب .

### ۵. به نظر مصنف موضوع علم اصول چیست؟

موضوع علم اصول تمام آن چیزهایی است که صلاحیت دارند در طریق استنباط حکم شرعی واقع شوند .

### ۶. فائده ی علم اصول چیست؟

علم اصول منطق فقه است که راه درست استدلال کردن برای استنباط حکم شرعی را می آموزد .

### ۷. حکم شرعی تکلیفی و وضعی را توضیح دهید؟

حکم شرعی تکلیفی آن است که به نحو اقتضاء یا تخیر بر فعل مکلف تعلق می یابد و آن پنج تاست ولی حکم وضعی به طور مستقیم بر فعل مکلف تعلق نمی یابد .

### ۸. رابطه ی حکم تکلیفی و وضعی را توضیح دهید؟

گاهی حکم وضعی از حکم تکلیفی انتزاع می شود و گاهی حکم وضعی موضوع حکم تکلیفی قرار می گیرد . مثلاً زوجیت موضوع وجوب نفقه قرار می گیرد که زوجیت حکم وضعی و وجوب نفقه حکم تکلیفی است و جز نیت سوره از وجوب نماز انتزاع می شود که جز نیت سوره برای نماز حکم وضعی و وجوب نماز حکم تکلیفی است .

### ۹. مبادی حکم تکلیفی را توضیح دهید؟

هر حکم تکلیفی دو مرحله دارد . مرحله ثبوت و مرحله اثبات . مبادی حکم تکلیفی در مرحله ثبوت ملاک و اراده و اعتبار است . و مرحله اثبات همان مرحله ی از حکم است که شارع مقدس آن را به صورت جمله ی امریه یا اخباریه بیان می کند .

### ۱۰. ملاک و اراده و اعتبار که مبادی حکم در مرحله ثبوت هستند را توضیح دهید؟

ما وقتی چیزی را می خواهیم منجم دهیم ابتدا در آن چیز مصلحتی را می بینیم که مصلحت همان ملاک است . پس از دیدن مصلحت در آن چیز اراده می کنیم که انجامش دهیم پس انجام آن را بر عهده ی خود می گذاریم. شارع مقدس نیز بر اساس مصالح موجود در احکام اراده کرده و آن گاه آن را بر ذمه مکلف قرار می دهد .

### ۱۱. مراد از تناسب مبادی حکم با خود حکم چیست؟

مراد این است که اگر مصلحت فعلی بسیار باشد به اندازه همان مصلحت اراده شدید پیدا می شود و شارع وجوب را جعل می کند و اگر مصلحت کم باشد اراده ضعیف پیدا می شود و شارع استحباب را جعل می کند و همچنین است سایر احکام حرمت و کراهت و اباحه .

### ۱۲. ابراز مرحله ثبوت به چند صورت تحقق می یابد ؟

ابراز یک بار به خود اراده تعلق می یابد مثلاً می گوئیم ( ارید منک کذا ) و گاهی به چیزی تعلق می یابد که آن چیز از اراده کشف می کند . مثلاً می گوئیم ( لالله علی الناس حج البيت ) .

### ۱۳. اباحه را توضیح دهید؟

اباحه یا به معنای اخص است که عبارت است از مساوی بودن فعل و ترک در نزد مولی و یا به معنای اعم است که عبارت است از عدم الزام که مستحب و مکروه و مباح به معنای اخص را شامل می شود .

### ۱۴. اباحه از جهت منشاء بر چند قسم است ؟

اباحه از جهت منشاء بر دو قسم است . اباحه یا از نبودن ملاک نشات می گیرد یا ملاکش رها بودن عبد است . اگر اباحه از نبودن ملاکی که مقتضی الزام به فعل یا الزام ترک باشد ، نشأت بگیرد و آن را اباحه لا اقتضای می گویند و اگر ملاکش رها بودن غیر باشد اباحه اقتضای می گویند .

### ۱۵. تضاد احکام خمسه را توضیح دهید ؟

احکام خمسه به دلیل اینکه در مبادی با هم تنافی دارند ، متضاد هستند . چون ملاک وجوب ، مصلحت شدید و ملاک حرمت ، مفسده ی شدید است . بنابراین وجوب و حرمت یا دو وجوب و یا دو حرمت و استحباب ، در یک فعل جمع نمی شود .

### ۱۶. چرا اجتماع دو حکم واقعی در فعل واحد ممکن نیست ؟

چون مبادی احکام متضاد هستند و اجتماع دو حکم در فعل واحد مستلزم اجتماع ضدین است و همچنین مستلزم اجتماع دو اراده در یک فعل است .

### ۱۷. چرا اجتماع دو وجوب و یا دو حرمت در فعل واحد ممکن نیست ؟

چون مستلزم اجتماع دو اراده و اجتماع مثلین است که هر دو محال است .

### ۱۸. حکم واقعی و حکم ظاهری را تعریف کنید ؟

حکم واقعی آن است که در موضوع آن شک در حکم سابق اخذ نشده باشد مانند « نماز واجب است » که موضوع وجوب ، نماز است نه نمازی که حکمش مشکوک است . و حکم ظاهری آن است که در موضوع آن شک در حکم سابق اخذ شده باشد مانند « کشیدن سیگار که حکم واقعیش مشکوک است جایز است » . موضوع اباحه در این مثال ، سیگار نیست بلکه سیگاری که حکم آن مشکوک است ، می باشد.

### ۱۹. چرا مرتبه ی حکم ظاهری متأخر از حکم واقعی است؟

چون حکم ظاهری در جایی جعل می شود که حکم واقعی مشکوک باشد ، پس باید ابتدا حکم واقعی باشد و ما در آن شک کنیم و بعد حکم ظاهری جعل شود .

### ۲۰. اماره و حکم ظاهری را تعریف کنید؟

هر دلیلی که کاشف ظنی از حکم شرعی باشد آن را اماره می گویند و به خاطر همین کاشفیت آن از حکم ، حجیت بر آن ثابت می شود که آن را دلیل ظنی می گویند و حجیت آن را حکم ظاهری .

### ۲۱. اصول عملی را تعریف کنید ؟

اصول عملی آن است که وظیفه ی عملی انسان را با قطع نظر از کاشف بودن آن در حکم شرعی را بیان می کند .

### ۲۲. اصل محرز و غیر محرز را توضیح دهید ؟

اصول عملیه که وظیفه ی عملی انسان را بیان می کند به دو قسم است . یک قسم حیثیت کشف از واقع ندارد مانند اصالت الحلال در جایی که بین حلال و حرام شک کنیم که این را اصل غیر محرز می گویند . و قسم دیگر آن اصلی است که حیثیت کشف از حکم را دارد ولی در حجیت آن لحاظ نشده است مانند قاعده ی فراغ که هنگام شک در صحت عمل ، جاری می شود . در قاعده ی فراغ ، غالب عدم نسیان عمل در هنگام عمل است ولی غلبه عدم نسیان به تنهایی کافی نیست بلکه شک پس از فراغ از عمل مکمل حجیت است .

### ۲۳ . آیا اجتماع حکم ظاهری و واقعی جایز است یا نه ؟ چرا ؟

بلی اجتماع حکم ظاهری و واقعی جایز است چون موضوع حکم واقعی و حکم ظاهری مختلف است مثلاً اگر شک کنیم که سیگار حلال است یا حرام . اصالت برائت می گوید ظاهراً حلال است و در حالی که ممکن است در واقع حرام باشد . و سیگار واقعاً حرام و ظاهراً حلال باشد .

### ۲۴ . قضیه ی حقیقه و خارجی در احکام را توضیح دهید ؟

حکم شرعی گاهی به نحو قضیه ی خارجی جعل می شود مثلاً می گوید ” اکرم هولاء العلماء الموجودین فعلاً “ که در این صورت تنها اکرام علمای موجود واجب است و اکرام عالمی که بعداً پیدا می شود واجب نیست و گاهی به صورت قضیه ی حقیقه جعل می شود مثلاً می گوید ” اکرم کل عالم “ و مقصودش این است که هر وقت عالمی دیدی اکرامش کن . در این صورت نه تنها اکرام علمای موجود واجب است بلکه باید علمایی که بعداً نیز پیدا می شود اکرام نمایند .

### ۲۵ . عنصر مشترک بین اماره و اصل چیست ؟

عنصر مشترک بین اماره و اصل حجیت قطع است . چرا که فقیه یا قطع به حکم شرعی پیدا می کند یا قطع به وظیفه ی عملی .

### ۲۶ . مراد از حجیت قطع چیست ؟

مراد از حجیت قطع منجز و معذر بودن آن است . و مراد از معذر این است که اگر کسی قطع به چیزی پیدا کرد و طبق قطع عمل کند و بعد معلوم شود که قطعش خلاف بوده معذر است . و مراد از منجز بودن این است که اگر کسی بر خلاف قطع عمل کند و بعد معلوم شود که قطعش مطابق واقع بوده استحقاق عقاب خواهد بود .

### ۲۷ . خصوصیات قطع را نام برده و به اجمال توضیح دهید ؟

۱- کاشفیت از واقع . کاشفیت از واقع عین قطع است چرا که قطع عین انکشاف است . ۲- تحریک . اگر کسی قطع به چیزی پیدا کند به سوی آن حرکت می کند . ۳- منجزیت و معذرت قطع یعنی مخالفت قطع استحقاق عقاب دارد و عمل طبق قطع در صورت خلاف بودن قطع معذر است .

### ۲۸ . رابطه ی قطع با منجز بودن آن را توضیح دهید ؟

منجزیت لازم ذات قطع است و سلب منجزیت از قطع ممکن نیست .

### ۲۹ . کدام قطع منجز تکلیف است ؟ قطع به تکلیف مولی

### ۳۰ . معنای منجز بودن ظن و احتمال چیست؟

مراد از منجز بودن ظن و احتمال این است که مخالفت ظن و احتمال جایز نیست مگر اینکه خود مولی ترخیص در مخالفت دهد .

### ۳۱ . چرا مولی نمی تواند منجزیت را از قطع سلب کند ؟

اگر مکلف قطع به وجوب پیدا کند مولی نمی تواند به مخالفت قطع اجازه دهد . چون اگر ترخیص واقع باشد لازم می آید در نظر مکلف وجوب و اباحه در یک جا جمع شود بلکه اگر ترخیص مطابق واقع باشد لازم می آید دو حکم واقعی در یک جا جمع شود . و اگر ترخیص حکم ظاهری باشد با وجود قطع به حکم واقعی ، حکم ظاهری معنایی ندارد .

### ۳۲. مراد از این که منجزیت قطع مطلق و منجزیت احتمال معلق چیست ؟

مراد از منجزیت قطع به طور مطلق این است که شارع نمی تواند ترخیص در مخالفت قطع بدهد و مراد از منجزیت احتمال معلق این است که احتمال منجز است اگر ترخیص در مخالفت ندهد .

### ۳۳. محدوده ی حق مولی از نظر مسلک حق الطاعه و مسلک قبح عقاب بلا بیان چیست ؟

از نظر مسلک حق الطاعه نه تنها قطع به تکلیف بلکه ظن به تکلیف و احتمال تکلیف منجز است و مکلف اگر احتمال تکلیف هم بدهد حق مولی اقتضاء می کند که طبق احتمال عمل کند . ولی از نظر مسلک قبح عقاب بلا بیان مولی مخصوص تکلیف مقطوع است . یعنی هر جا قطع به تکلیف باشد مکلف باید طبق قطع عمل کند ولی اگر قطع نباشد اطاعت لازم نیست.

### ۳۴. تجری چیست ؟

اگر مکلف قطع به تکلیف داشته باشد و برخلاف قطع عمل کند در حالی که قطعش مطابق با واقع بوده است عمل او را عصیان و خود شخص را عاصی می گویند . و اگر قطعش مخالف با واقع باشد . عمل او را تجری و خود شخص را متجری می گویند .

### ۳۵. آیا شخص متجری مستحق عقاب است یا نه ؟

حق مولی تمام حالات انکشاف را شامل می شود ولو مصیب و مطابق با واقع نباشد زیرا حفظ حرمت مولی واجب است که تجری ، حرمت مولی را هتک می کند.

### ۳۶. علم اجمالی را تعریف کنید ؟

مکلف گاهی به شی معین علم پیدا می کند که آن را علم تفصیلی می گویند مانند علم به وجوب نماز . و گاهی علم پیدا می کند که یکی از دو چیز واجب یا حرام است مثلا می داند در روز جمعه یا نماز ظهر واجب است یا نماز جمعه . آن را علم اجمالی می گویند.

### ۳۷. چرا علم اجمالی را علم اجمالی می گویند ؟

از آن جهت که علم به جامع دارد آن را علم گفته اند و از آن جهت که متعلق علم معین نیست بلکه یکی از اطراف علم اجمالی است آن را اجمالی می گویند.

### ۳۸. مراد از جامع و اطراف مشتبهه در علم اجمالی چیست ؟

مثلا ما می دانیم یکی از دو ظرف معین نجس است . نجس بودن یکی از دو ظرف جامع است و هر یک از دو ظرف اطراف علم اجمالی است .

### ۳۹. آیا علم اجمالی منجز است یا نه ؟

علم اجمالی نسبت به جامع بدون شک منجز است ولی نسبت به اطراف علم اجمالی بنا بر مسلک ما که احتمال منجز است در این جا نیز منجز است با این تفاوت که منجزیت قطع مطلق و منجزیت احتمال معلق به عدم اذن در مخالفت است .

### ۴۰. آیا ترخیص در مخالفت تمام اطراف علم اجمالی جایز است یا نه ؟

ممکن است گفته شود ترخیص در مخالفت تمام اطراف علم اجمالی مستلزم مخالفت با قطع به جامع است و آن جایز نیست چون منجزیت قطع معلق نیست . ممکن است از این سخن پاسخ دهیم که این سخن در علم تفصیلی درست است چون علم تفصیلی مقرون به شک نیست تا حکم ظاهری در آن جعل شود ولی در علم اجمالی که مقرون به شک است ترخیص ظاهری در تمام اطراف علم اجمالی ممکن است .